

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI Scopus

مركز آموزش آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی شهر جعفریه از مبانی جامعه شناختی برنامه درسی

نام نویسندگان:

یعقوب صفائی زاده^۱ و محبوبه خسروی^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی به منظور ارائه راهکارهای بهبود و ارتقای دانش و مهارت‌های آنان است. روش انجام پژوهش از نوع زمینه ای و جامعه آماری کلیه معلمان شاغل به تدریس در مدارس ابتدایی استان قم (شهر جعفریه) در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ است. نمونه آماری ۹۷ نفر از معلمان است که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. در این تحقیق از یک ابزار محقق ساخته شامل پرسشنامه که حاوی ۳۰ سؤال محقق ساخته با طیف پنج درجه ای لیکرت که با توجه به سؤالهای ویژه تحقیق و براساس مباحث جامعه شناختی برنامه ریزی درسی تدوین شده و روایی صوری و محتوایی آن را کارشناسان و متخصصان تأیید کردند و پایایی آزمون با محاسبه ضریب آلفای کرانباخ ۰/۸۴ به دست آمد که در اختیار تمامی افراد نمونه قرار گرفت و پس از پاسخگویی جمع آوری گردید. داده‌ها در دو سطح توصیفی (با استفاده از جدولهای توزیع فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (با استفاده از آزمون χ^2 ، Z و F) تجزیه و تحلیل شدند. عمده ترین یافته‌های پژوهش این است که میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناسی برنامه ریزی درسی در حد متوسط می باشد.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت، مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی، معلمان دوره ابتدایی.

مقدمه

امروزه استقرار پویا و تداوم مطلوب نظام آموزش و پرورش شدیداً متأثر چگونگی و کیفیت نظام برنامه ریزی در آن می باشد و برنامه ریزی فعالیت‌های یاددهی یادگیری در این میان نقش اساسی دارد. تنظیم و شکل دهی مطلوب برنامه درسی مستلزم توجه همه جانبه به مبانی فلسفی، روانی و جامعه شناختی آن می باشد که توأمان مد نظر معلمان قرار

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی، yaghubΔYsafa@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، khosravi۱۲m@yahoo.com



میگیرد. معلمان باید کارکردهای اجتماعی مدرسه را شناخته و از آن در رفع نیازهای حال و آینده جامعه بهره گیرند. سویی باید بدانند که نظام آموزش و تدریس ماهیتا یک نظام متقابل و دو طرفه است.

کلاس درس بمنزله گروه پویای اجتماعی است و مدرسه به مثابه یک نهاد اجتماعی است. از این رو معلمان امروزه به طراحی، هدایت و سازماندهی تجربیاتی نیاز دارند که یادگیرندگان در خلال آن به درک و فهم برسند نه اینکه صرفا اطلاعات و مهارت‌های انتزاعی و ساده‌ای را بگیرند و این اطلاعات و مهارت‌های انتزاعی را به خاطر بسپارند. (شریعتمداری، ۱۳۷۸)

اجتماع امروز از معلمان به عنوان کسانی که رسالت تربیتی دارند و از شاگردان بعنوان آینده سازان فردا، انتظارات دیگری دارند. در آینده ما به افراد نیازمندیم که بتوانند خودشان را رهبری کنند، تصمیم گیرنده باشند، با مسائل برخورد کرده و بتوانند آن را حل کنند و در امور تفکر کنند. مذاکره کننده‌های زبردست باشند. علاوه بر آن ویژگی‌های مثل نعطاف پذیری، ابتکار، خلاقیت، کاردانی و ذهن باز داشته باشند. کار معلم، سازماندهی تجاربی است که ویژگی‌های را در دانش آموزان تقویت کرده و توسعه دهد و دانش آموزان را برای بدست آوردن معنا و مفهوم علوم و پدیده‌های علمی و درک روابط و الگوها آماده و مهیا سازد. (پارمحمدیان، ۱۳۷۷)

ارتقای کیفیت آموزش در هر مقطع و رشته تحصیلی مستلزم کاربرد اصول و فنون برنامه درسی است. کاربرد فنون برنامه درسی با توجه به مبانی آن و اجرای اصول یادگیری، در بازنگری و بهبود برنامه‌ها و آموزش‌های موجود در مدارس، دانشگاهها و مراکز تربیت نیروی انسانی حایز اهمیت است (میرزاییگی، ۱۳۸۰).

نظامهای آموزشی در گذر از مسائل کمی و همگانی کردن آموزش ناگزیر از توجه به مسائل کیفی پدیده‌های آموزشی هستند و ارتقای کیفیت آموزشی را ضمن توجه به منابع و تجهیزات از طریق اصلی ترین عامل در یک نظام آموزشی یعنی «معلم»، مورد توجه و هدفگیری قرار داده‌اند (شارما، ۲۰۰۱).

مفهوم ارتقای حرفه‌ای معلمان از اواسط قرن بیستم و با ضرورت یافتن اجرای اصلاحات در نظام‌های آموزشی، پدیدار شده است. در شکل‌گیری این مفهوم، یافته‌های پژوهشی و بررسی مقایسه‌ای نظام‌های آموزشی تأثیر زیادی داشته است، زیرا مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که «معلم» در انجام اصلاحات آموزشی نقش دو سویه‌ای دارد. از یک سو موضوع اصلاحات آموزشی و از سوی دیگر عامل اصلاحات آموزشی محسوب می‌شود. لذا عمده‌ترین اهداف رایج در آموزش معلمان عبارت‌اند از: حرفه‌ای‌سازی (تمرکز بر معلمان بدون کیفیت یا با کیفیت پایین)، ظرفیت‌سازی در معلمان (آماده‌سازی معلمان برای پذیرش مسؤولیت‌های جدید یا مواجهه با تغییرات برنامه‌های درسی)، به‌روز کردن معلمان و به‌روز نگه داشتن دانش و توانایی تدریس متناسب با شرایط و روش‌های جدید تدریس (هابرمن، ۲۰۰۴؛ تانگ و هان، ۲۰۰۵).

در نظام آموزشی کارآمد اجزاء و عناصر مختلف اعم از برنامه و مواد درسی، یادگیرنده‌ها، معلم، وسایل آموزشی، فضا و تجهیزات، بودجه و اعتبارات و ... با یکدیگر تأثیر متقابل دارند تا دستیابی به هدفهای مورد انتظار را امکان‌پذیر سازند.



علاوه بر این لازم است، هر یک از اجزاء به تنهایی نیز از کیفیت و کارآمدی لازم برخوردار باشند. در این میان «معلم» مهمترین نقش را در فراهم‌سازی شرایط مناسب برای فعالیتهای یادگیری ایفا می‌نماید و ضروری است صلاحیتهای لازم را برای انجام چنین نقشی در نظام آموزشی داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۱).

شوآب (۱۹۸۳) معلم را عضو اصلی گروههای تصمیم‌گیرنده برنامه درسی به حساب می‌آورد و می‌گوید: اولین پاسخ به این سؤال که چه کسی عضو اصلی گروههای تصمیم‌گیرنده درباره برنامه درسی باشد، معلم است. مکرراً و با صدای بلندتر باید گفت: معلم دو دلیل اصلی برای چنین پاسخی وجود دارد. دلیل نخست آنکه معلم در بهترین اوقات در کنار دانش‌آموزان است و دوم آنکه معلم یگانه شخصیتی است که می‌تواند اطلاعات مناسب را بر حسب نحوه یادگیری دانش‌آموزان ارائه دهد (مهرمحمدی، ۱۳۸۴).

از این رو برنامه‌ریزی درسی و مبانی آن جایگاه ویژه‌ای در آموزش و پرورش دارد. ارنشتاین وهانکینز (۱۹۹۷) معتقدند که مبانی برنامه درسی حدود و ثغور مرزهای خارجی برنامه درسی را مشخص کرده است و تعیین می‌کند که کدام منبع اطلاعاتی معتبر از کدام نظریه‌ها، اصول و ایده‌های قابل قبول، به برنامه درسی مرتبط می‌شوند. تصمیم در مورد عناصر برنامه‌های درسی در چارچوب مبانی نظری منسجم، سامان می‌یابد و دیدگاهی از برنامه درسی را شکل می‌دهد. برنامه تربیتی شامل کلیه تجربیات، مطالعات، بحثها و فعالیتهای گروهی و فردی و سایر اعمالی است که شاگردان تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می‌دهند (شریعتمداری، ۱۳۷۵). نتایج پژوهشهای انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت معلمان در زمینه شناخت مبانی تعلیم و تربیت، بهره‌مندی از دانش و مهارتهای حرفه‌ای مورد نیاز در سطح مطلوبی قرار ندارند.

سمیعی (۱۳۶۵) در پژوهشی میزان آگاهی مربیان مدارس عالی تهران از تدریس را مورد بررسی قرار داده و دریافته است که سابقه کار از عوامل مؤثر بر میزان آگاهی مربیان از روش‌های تدریس است و همچنین افزایش سابقه کار، سطح تحصیلات و شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی باعث افزایش آگاهی مربیان از روش‌های تدریس شده است.

عباس‌زاده (۱۳۷۱) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان آشنایی معلمان استان مازندران با مواد آموزشی و کاربرد آن در آموزش خاطر نشان ساخته است که اکثریت معلمان در مورد اهداف آموزشی اطلاع چندانی ندارند و از مهارتهای لازم برای به‌کارگیری وسایل و فناوری آموزشی برخوردار نیستند و ۹۵ درصد معلمان با شیوه‌های علمی ارزشیابی آموزشی آشنایی ندارند و از نتایج کاربرد آن در تدریس بی‌اطلاع هستند.

قائدی (۱۳۷۳) در پژوهشی به منظور مقایسه کیفیت روش تدریس اعضای هیأت علمی دانشکده‌های علوم تربیتی شهر تهران نشان داد که ۴۲ درصد از اعضای هیأت علمی میزان آشنایی خود را با اصول و روش‌های تدریس در حد زیاد می‌دانند، به علاوه آنان از روش‌های مختلف تدریس از جمله سخنرانی، پرسش و پاسخ و بحث گروهی در حد زیاد استفاده می‌کنند. همچنین ۶۶ درصد آنان میزان تأثیر دوره‌های آموزشی را در بهبود کیفیت تدریس خود در حد زیاد ارزیابی نمودند.



عابدی (۱۳۷۹) در پژوهشی ضمن بررسی اطلاعات تخصصی معلمان استان اصفهان در زمینه طرح و تهیه سؤالات امتحانی و مهارت‌های ارزشیابی دریافت که به‌طور کلی معلمان درباره اصول و روش‌های علمی ارزشیابی آموزشی از آگاهی کمی برخوردار هستند. بین میزان آگاهی معلمان در ارتباط با مدرک تحصیلی و دوره‌های آموزشی تفاوت معنادار است، یعنی معلمان با مدرک تحصیلی بالاتر شرکت‌کننده در دوره آموزشی کوتاه‌مدت سنجش و اندازه‌گیری اطلاعات بیشتری در زمینه طرح سؤالات ارزشیابی دارند. در زمینه روایی سؤالیهای آزمون، معلمان دوره‌دیده زن اطلاعات بیشتری دارند.

کیامنش (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان ارزشیابی از مرحله سوم طرح آموزش همه‌جانبه و مشارکتی (پایه دوم راهنمایی) دستاوردها و چشم‌اندازها، دریافت که در جریان آموزش در زمینه بسیاری از فعالیت‌ها که با آموزش همه‌جانبه از قبیل پیوند فعالیت و درس به دانش و تجربه‌های پیشین دانش‌آموزان، پیوند فعالیت به مسائل جهانی، خلاقیت در اجرای فعالیت‌ها، بحث درباره سؤالات مطرح شده در کلاس و برقراری ارتباط بین گذشته، حال و آینده، عدم انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های پیش‌بینی نشده، ایجاد چالش و همراه شدن با دانش‌آموزان، پیوند فعالیت معلم به مسائل و تجربیات روزمره دانش‌آموزان، عملکرد معلمان مطلوب نیست. در این رابطه بهبود محتوای فعالیت‌های آموزشی (برنامه‌های درسی) و توجه به موارد یاد شده را در دوره‌های آموزش دبیران ضروری دانست.

سبحانی (۱۳۸۲) در پژوهشی ضمن بررسی میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران از نظریه‌های یادگیری و به‌کارگیری آن‌ها در تدریس یادآوری کرد که میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی از نظریه‌های یادگیری در سطح بالاتر از متوسط بود و اعضای هیأت علمی با رشته‌های مرتبط (علوم تربیتی و روان‌شناسی) و شرکت‌کننده در کارگاه‌های آموزشی در زمینه شناخت و به‌کارگیری نظریه‌های یادگیری موفق‌تر از بقیه رشته‌ها بوده‌اند.

تاجیک (۱۳۸۳) در تحقیقی با موضوع بررسی عملکرد معلمان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران با توجه به میزان آگاهی آنان از اهداف، روش‌ها و مهارت‌های تدریس، کاربرد مواد آموزشی و روش‌های ارزشیابی نتیجه گرفت که میزان آگاهی معلمان از اهداف درسی در حد متوسط است و اکثریت معلمان با روش‌های تدریس و اصول و روش‌های علمی ارزشیابی و طراحی سؤالات امتحانی آشنایی کافی ندارند.

آبیار (۱۳۸۵) در پژوهشی با مطالعه عوامل مؤثر بر کارایی معلمان در تدریس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس ایلام به این نتیجه دست یافته است که بین عواملی چون آموزش ضمن خدمت، رضایت شغلی، میزان تحصیلات، محیط مناسب کار، خدمات رفاهی، روش‌های مناسب تدریس و ارزشیابی و کارایی معلمان رابطه معنادار وجود دارد به این معنی که این عوامل بر کارایی معلمان تأثیر مثبت داشته است.

هانگ (۱۹۹۶) در پژوهشی با مطالعه توانمندی‌ها و محدودیت‌های معلمان برای مشارکت در برنامه‌ریزی درسی مدارس ابتدایی کره، کارآمدی برنامه درسی را منوط به مشارکت افراد و گروه‌های متخصص و توجه به نظرات معلمان و



مدارس به عنوان مشارکت کنندگان در فرایند تهیه برنامه درسی - نه فقط همکاران مجری برنامه - دانسته و بر افزایش آگاهی معلمان و دیگر عوامل مدرسه در زمینه برنامه ریزی درسی تأکید کرده است.

ویدوویچ (۱۹۹۹ - ۱۹۹۶) پژوهشی با موضوع نیازهای رشدی کارکنان با همکاری دانشگاه کورتین استرالیا و دانشگاه ایالت رنج فری آفریقای جنوبی انجام داده که بر اجرای خطمشی کیفیت به منظور بهبود کیفیت آموزش تأکید کرده است و رویکرد برنامه های درسی را وابسته به موقعیت مکانی و زمانی و معیارهای مراکز آموزشی و دانشگاهها در جوامع مختلف دانست.

حسینجان دائی زاده در سال ۱۳۸۵ در تحقیق با عنوان ((بررسی میزان آشنایی معلمان متوسطه از مبانی برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری در استان مازندران در سال تحصیلی ۸۵-۸۴)) به این نتیجه رسیده است که بیشتر معلمان دوره متوسطه از مبانی فلسفی، روانی و جامعه شناختی برنامه درسی و اصول یادگیری در حد متوسط می باشد. هرچند برخی تحقیقات بیشتر در مورد مبانی برنامه درسی تحقیق شده است اما در مورد آشنایی معلمان با مبانی جامعه شناختی برنامه درسی در دوره ابتدایی تحقیق نشده است. و به دلیل اینکه آشنایی معلمان از مبانی برنامه درسی یکی از مسائل بنیادین آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین می باشد این تحقیق منحصر به یکی از مبانی برنامه درسی که مبانی جامعه شناختی است پرداخته است.

سوالات تحقیق

با توجه به مطالب یاد شده، این پژوهش با هدف بررسی میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی استان قم (شهر جعفریه) از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی انجام شده است. به منظور دستیابی به اهداف یاد شده، طی اجرای پژوهش، به سؤالهای زیر پاسخ داده شد.

- ۱ - معلمان دوره ابتدایی تا چه میزان به مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی آشنایی دارند؟
- ۲ - آیا بین میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی بر حسب متغیرهای جنسیت، مدرک تحصیلی و سابقه خدمت تفاوت وجود دارد؟

روش اجرای پژوهش

با توجه به هدف و سؤالهای اساسی مطرح شده در این مطالعه، روش انجام پژوهش زمینه ای بوده که در خلال آن به



سنجش میزان شناخت معلمان از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی و تحلیل آن پرداخته شده است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه معلمان (۱۳۰ نفر) شاغل به تدریس در مدارس دوره ابتدایی استان قم (شهر جعفریه) در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۴ است که از بین آنان ۹۷ نفر با استفاده از جدول مورگان براساس جنسیت به روش نمونه‌گیری در دسترس از مدارس مختلف شهر جعفریه انتخاب شدند.

در این مطالعه برای گردآوری داده‌ها از یک ابزار به شرح زیر استفاده شده است:

فرم پرسشنامه حاوی ۳۰ سؤال محقق ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت که با توجه به سؤالهای ویژه تحقیق و براساس مباحث جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی تدوین شده و روایی صوری و محتوایی آن را کارشناسان و متخصصان تأیید کردند و پایایی آزمون با محاسبه ضریب آلفای کراباخ ۰/۸۴ به دست آمد که در اختیار تمامی افراد نمونه قرار گرفت و پس از پاسخگویی جمع‌آوری گردید.

به منظور تحلیل داده‌های پژوهش از دو شیوه آماری؛ توصیفی و استنباطی استفاده شد در تحلیل توصیفی با استفاده از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار به تجزیه و تحلیل داده پرداخته شد. در تحلیل استنباطی با توجه به عادی بودن توزیع داده‌ها، آزمون‌های مجذور خی دو (χ^2)، Z و F با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

سؤال ۱: معلمان دوره ابتدایی تا چه میزان از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی آگاهی دارند؟

جدول ۱ - توزیع فراوانی پاسخ‌ها مربوط به سؤال ویژه یک

مقیاس شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۵	۱۹	۴۵	۲۲	۶	۹۷
درصد فراوانی	۵/۱۵	۱۹	۴۶	۲۲	۶/۲۰	۱۰۰

براساس داده‌های جدول ۱ بیشترین فراوانی پاسخ‌ها (۴۶/۳۹ درصد) در طبقه متوسط قرار دارد، ۲۴/۷۳ درصد پاسخ‌ها بالاتر از متوسط و ۲۸/۸۸ درصد پاسخ‌ها پایین‌تر از حد متوسط است و در کل ۷۵/۲۷ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام داشته‌اند که آگاهی آنان از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی در حد متوسط است.



جدول ۲ - نتایج آزمون مجذور کای خی دو (χ^2) براساس مقایسه فراوانی‌ها

P	d.f	χ_c^2	χ_o^2
۰/۰۵	۴	۸/۵۵	۳۲/۹۴

براساس نتایج جدول ۲ چون مقدار χ^2 محاسبه شده (۳۲/۹۴) در سطح اطمینان ۹۵ درصد از مقدار χ^2 جدول (۸/۵۵) بزرگتر است، بنابراین پراکندگی فراوانی پاسخ‌ها واقعی بوده و بین فراوانی پاسخ‌های مشاهده شده و فراوانی پاسخ‌های مورد انتظار تفاوت معنادار است و می‌توان گفت میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی در حد متوسط است.

جدول ۳ - بررسی تفاوت معناداری بین میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی (بر حسب جنسیت)

شاخص آماری جنسیت	میانگین	انحراف معیار	Z	sig
مرد	۱۰/۸۶	۴/۱۸	۳۱/۱۷	۰/۰۰۰
زن	۱۰/۱۲	۳/۴۵		

براساس داده‌های جدول ۳ چون مقدار Z محاسبه شده (۳۱/۱۷) بزرگتر از مقدار Z بحرانی (۱/۹۶۵) و $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ است با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد که تفاوت میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی شهر جعفریه از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی بر حسب جنسیت معنادار است. نتیجه اینکه میزان شناخت معلمان مرد از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی بیش از معلمان زن است.

جدول ۴ - بررسی تفاوت معناداری بین میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی (بر حسب مدرک تحصیلی)

شاخص آماری مدرک تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	Z	sig
لیسانس	۱۰/۴۵	۳/۸۷	۳۳/۵۱	۰/۰۰۰
فوق لیسانس	۱۱/۲۶	۲/۶۸		

براساس داده‌های جدول ۴ چون مقدار Z محاسبه شده (۳۳/۵۱) بزرگتر از مقدار Z بحرانی (۱/۹۶۵) و $\text{sig} = 0/000 < 0/05$ است با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد که بین میزان شناخت



معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه درسی بر حسب مدرک تحصیلی تفاوت معنادار است. نتیجه اینکه معلمان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر نسبت به معلمان لیسانس شناخت بیشتری از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی دارند.

جدول ۵ - بررسی تفاوت معناداری میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی (بر حسب سابقه خدمت)

شاخص آماری سابقه خدمت	میانگین	انحراف معیار	F	P
۱ تا ۹ سال	۱۰/۴۵	۲/۳۶	۹/۳۶۵	۰/۰۰۰
۱۰ تا ۱۹ سال	۱۱/۴۳	۲/۲۴		
۲۰ تا ۲۹ سال	۹/۷۶	۲/۸۶		

براساس داده‌های جدول ۵ مقدار F محاسبه شده بین میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی بر حسب سابقه خدمت در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($P < 0/05$) نشان دهنده وجود تفاوت معنادار است. بدین معنا که شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه درسی متفاوت بوده و با یکدیگر همسان نیست.

بحث و نتیجه گیری

براساس نتایج به دست آمده از یافته‌های تحقیق، به طور کلی میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی در حد متوسط به بالا است. این نتیجه با پژوهشهای عباسزاده (۱۳۷۹)، عابدی (۱۳۷۹)، سبحانی (۱۳۸۲)، تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) هماهنگ است.

میزان شناخت در حد متوسط معلمان از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی و در سطح مطلوب نبودن آگاهی آنان ممکن است ناشی از کم توجهی به مبانی و اصول تعلیم و تربیت و اهداف تعلیم و تربیت باشد. علل دیگر آن کم توجهی معلمان به مفهوم دقیق و صحیح تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، روان شناسی تربیتی، جامعه شناسی، برنامه ریزی درسی، اصول و روش‌های یادگیری و ... است.

در این زمینه آموزش و پرورش به منظور تربیت و بازآموزی و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان باید کارگاههای آموزشی را طراحی و اجرا نماید تا از طریق آن زمینه آگاهی و شناخت بیشتر معلمان از مبانی تعلیم و تربیت، برنامه ریزی درسی، اصول و روش‌های یادگیری بیش از پیش فراهم شود.

با توجه به نتایج آزمون، بین میزان شناخت معلمان دوره ابتدایی از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی با



متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و سابقه خدمت تفاوت معنادار بوده است. براساس یافته‌های پژوهش‌های یاد شده، سابقه خدمت بیشتر موجب افزایش آگاهی و مهارت معلمان و مربیان شده است، اما نتایج این تحقیق نشان داد که معلمان با سابقه بالای ۲۰ سال شناخت کمتری نسبت به مبانی جامعه شناختی برنامه درسی دارند.

نتایج پژوهشهای سمیعی (۱۳۶۵)، قائدی (۱۳۷۳)، سبحانی (۱۳۸۲)، تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که شرکت در دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و کارگاههای آموزشی موجب ارتقای دانش و مهارتهای حرفه‌ای مربیان و معلمان شده است.

لذا تعیین راهبردی کوتاه مدت و درازمدت در زمینه تربیت و بازآموزی و توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، براساس مطالعات دقیق، نیازسنجی‌ها و برنامه‌ریزی علمی به منظور ارتقای دانش، صلاحیت‌ها و مهارتهای حرفه‌ای آنان از مسائل اساسی و اجتناب‌ناپذیر به منظور کارآمد ساختن نظام آموزش و پرورش است.

منابع

- آبیاری، شهناز. (۱۳۸۴)، «مطالعه عوامل مؤثر بر کارآیی معلمان در تدریس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس ایلام». تهران: دانشگاه پیام نور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ارنشتاین، الن سی وهانکینز، فرانسیس پی. (۱۳۸۴)، *مبانی، اصول و مسائل برنامه درسی*، ترجمه قدسی احقر. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- تاجیک، عزیزالله. (۱۳۸۳)، «عملکرد معلمان پایه پنجم ابتدایی با توجه به میزان آگاهی آنان از اهداف، روش تدریس، مهارتهای تدریس، کاربرد مواد آموزشی، روش ارزشیابی و کیفیت سؤالهای امتحانی در درس تعلیمات اجتماعی». تهران: دانشگاه تربیت معلم، رساله دکتری.
- دائی زاده، حسینجان. (۱۳۸۵)، «بررسی میزان آشنایی معلمان متوسطه از مبانی برنامه درسی و اصول یادگیری در استان مازندران در سال تحصیلی ۸۵-۸۴». تهران: رساله دکتری.
- سبحانی، مهدی. (۱۳۸۲)، «بررسی میزان شناخت اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاههای تهران از چهار دسته نظریه‌های یادگیری و به‌کارگیری آنها در تدریس». تهران: رساله دکتری.
- سمیعی، سوسن. (۱۳۶۵)، «بررسی میزان آگاهی مربیان مدارس عالی دانشکده‌های پرستاری تهران در مورد روش تدریس و برنامه‌ریزی درسی». تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۸)، روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عابدی اصفهانی، مهری. (۱۳۷۹)، «بررسی میزان اطلاعات تخصصی معلمان دوره راهنمایی در زمینه طرح و تهیه سؤالات امتحانی و مهارتهای ارزشیابی». اصفهان: سازمان آموزش و پرورش.
- عباس‌زاده، قهرمان. (۱۳۷۱)، «بررسی میزان آشنایی و کاربرد مواد آموزشی در آموزش». تهران: دانشگاه علامه طباطبایی،



پایان نامه کارشناسی ارشد.

کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۱)، «ارزشیابی از فاز سوم طرح آموزش همه جانبه و مشارکتی، دستاوردها و چشم اندازها»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت، دوره دوم، شماره ۱ و ۲.

ملکی، حسن. (۱۳۸۰)، صلاحیتهای حرفه معلمی. تهران: مدرسه، چاپ دوم.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۴)، «قلمرو برنامه درسی ایران». تهران: فصلنامه انجمن مطالعات برنامه درسی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵.

میرزابیگی، علی. (۱۳۸۰)، برنامه ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی. تهران: یسپرون. یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۷۷) اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تبریزی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تبریزی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تبریزی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو